



مطالعه تطبیقی تلف نمونه مبیع در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

حبیب طالب احمدی^۱ ✉، اسحاق میرفردی^۲

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: talebahmadi@shirazu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: eshagh_mirfardi@yahoo.com

چکیده

بازرگانان، به‌ویژه در گستره تجارت بین‌الملل، در صدد تشکیل بیعی مطمئن در کمترین زمان ممکن برای دوری از مخاطرات، صرفه‌جویی در زمان و هزینه‌های خود هستند. بیع از روی نمونه یکی از راهکارهای شناخته‌شده برای نیل به این مقصود است. در قانون مدنی ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا این‌گونه بیع به رسمیت شناخته شده است. مهم‌ترین تعهد فروشنده در بیع از روی نمونه، تسلیم کالای فروخته‌شده مطابق با نمونه مورد توافق است. نتیجه این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی حکایت از آن دارد که اگر نمونه پیش از اجرای تعهد فروشنده از میان برود، تفاوت جزئی میان حقوق ایران و کنوانسیون یادشده وجود دارد: در حقوق مدنی ایران مشروط بر آنکه اوصاف مبیع در قرارداد ذکر شده باشد، تسلیم نمونه به خریدار جنبه تکمیلی دارد و فروشنده با تسلیم مطابق با کیفیت قراردادی بری‌الذمه می‌شود و چنانچه اوصاف مبیع در قرارداد ذکر نشده باشد، انتخاب فرد مبیع با فروشنده و اثبات عدم مطابقت با نمونه تلف‌شده بر عهده خریدار است، زیرا با تسلیم مبیع، ادعای اضافی دارد. اما طبق مقررات کنوانسیون وین اگر ویژگی‌های کالا در قرارداد آمده و اخطار عدم انطباق از سوی خریدار برای فروشنده ارسال شده باشد، بار اثبات مطابقت کالای تسلیمی با نمونه عرضه‌شده بر عهده فروشنده است و چنانچه اوصاف مبیع در قرارداد نیامده باشد، بار اثبات عدم انطباق با خریدار است.

کلیدواژه‌ها: بیع از روی نمونه، تسلیم کالا، تلف نمونه، مطابقت کالا، نمونه کالا.

* استناد: طالب‌احمدی، حبیب؛ اسحاق میرفردی (۱۴۰۳، تابستان) «مطالعه تطبیقی تلف نمونه مبیع در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، *مطالعات حقوق خصوصی*، ۵۴، ۲: ۲۳۷ - ۲۱۷.
DOI: 10.22059/JLQ.2024.362226.1007785
تاریخ دریافت: ۲۳ مرداد ۱۴۰۲، تاریخ بازنگری: ۲۱ خرداد ۱۴۰۳، تاریخ تصویب: ۲۵ مرداد ۱۴۰۳، تاریخ انتشار: ۱۰ شهریور ۱۴۰۳



مقدمه

عقد بیع به شیوه‌های گوناگون بسته می‌شود که بیع از روی نمونه یکی از آنهاست. به‌ویژه در تجارت بین‌المللی، بازرگانان پیش از معامله، برای حصول اطمینان، نمونه کالا را از فروشندگان می‌خواهند و پس از آزمایش و پسند آن، سفارش می‌دهند. اقتضای اصل سرعت، دوری راه، در دسترس نبودن تمام کالا در هنگام بیع و دشواری‌های امکان مشاهده مبیع برای رفع ابهام بر ضرورت انجام این‌گونه بیع در گستره معاملات تجاری بین‌المللی دلالت دارد.

پس از معامله، خریدار انتظار دارد مورد معامله مطابق نمونه به وی تسلیم شود و اگر کالای تسلیمی مغایر با نمونه باشد، نقض عهد فروشنده شمرده می‌شود و در صورت عدم توافق، خریدار می‌تواند کالا را رد کند. احتمال دارد نمونه پیش از تسلیم مبیع از میان برود.

در این تحقیق تلاش می‌شود با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا^۱، با تأکید بر رویه قضایی، به چگونگی رفع اختلاف میان طرفین در فرضی که اوصاف کالا در قرارداد آمده یا نیامده باشد و مشخص کردن اینکه بار اثبات عدم مطابقت کالای تسلیم‌شده با نمونه تلف‌شده در حقوق ایران و کنوانسیون یادشده بر عهده کیست، پاسخ داده شود.

مطالعه پیشینه تحقیق حکایت از آن دارد که پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه تنها به ضمانت اجرای عدم مطابقت کالا با نمونه پرداخته‌اند و بدون آنکه وارد فروض گوناگون یا جزئیات شوند، بیانی کلی از تلف نمونه نزد خریدار پیش از تسلیم مبیع دارند. این پژوهش تلاش دارد با تبیین مفهوم قرارداد فروش از روی نمونه^۲ و مقایسه آن با بیع از روی مدل^۳، اثر تسلیم نمونه در قرارداد بیع و شروط ضمنی بیع از روی نمونه به بررسی میزان مطابقت و بار اثبات عدم مطابقت بپردازد تا تأثیر تلف نمونه مبیع پیش از تسلیم مورد معامله بر حقوق و تعهدات طرفین در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا روشن شود.

۱. تعریف فروش از روی نمونه

طبق ماده ۳۵۴ قانون مدنی «ممکن است بیع از روی نمونه به‌عمل آید، در این صورت باید تمام مبیع مطابق نمونه تسلیم شود و الا مشتری خیار فسخ خواهد داشت». در بند «ج» قسمت دوم ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیز بدون تعریف بیع از روی نمونه مقرر می‌دارد کالا باید مطابق نمونه‌ای باشد که فروشنده به خریدار ارائه کرده است.

در تعریف بیع از روی نمونه می‌توان گفت گونه‌ای از قرارداد فروش کالا است که بر اساس آن، خریدار بر اساس نمونه عرضه‌شده از سوی فروشنده به تمام یا بخشی از ویژگی‌های مورد

1. Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG)

2. Sale by Sample

3. Sale by Model

معامله آگاه می‌شود و آنچه به خریدار تسلیم می‌شود، باید منطبق با نمونه یادشده باشد. این روش برای توصیف کالا در جهت رفع ابهام و معلوم نمودن مبیع به کار می‌رود (نخعی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵۲). اصولاً اگر کالا با نمونه مطابقت نداشته باشد، فروشنده مرتکب نقض قرارداد شده و خریدار می‌تواند کالا را نپذیرد. به این منظور فروشنده باید به خریدار فرصت مناسبی برای مقایسه کالای فروخته‌شده با نمونه بدهد (Martin, 2002: 227).

بر خلاف قانون مدنی ما و کنوانسیون بیع بین‌المللی در بخش دوم ماده ۱۵ قانون بیع کالای مصوب ۱۹۷۹ انگلیس^۱ در زمینه فروش از روی نمونه با تفصیل بیشتر آمده است:

۱. یک قرارداد بیع هنگامی فروش از روی نمونه شمرده می‌شود که یک شرط صریح یا ضمنی راجع به تأثیر نمونه در قرارداد وجود داشته باشد.

۲. در مورد چنین قراردادی برای فروش از روی نمونه شرط ضمنی وجود دارد که (الف) بخش عمده کالا باید از نظر کیفیت با نمونه مطابقت داشته باشد؛

(ب) خریدار باید فرصت معقولی برای مقایسه بخش عمده با نمونه داشته باشد و

(ج) کالا باید عاری از هرگونه عیب و نقصی باشد که آن را غیرقابل خرید و فروش می‌کند و در بررسی معقول نمونه مشخص نمی‌شود.

همان‌گونه که از متن قانون یادشده برداشت می‌شود، هنگامی فروش از روی نمونه شمرده می‌شود که یک شرط صریح یا ضمنی مبنی بر مطابقت کالا با نمونه در قرارداد موجود باشد. بنابراین ارائه نمونه از سوی فروشنده به‌تنهایی بر تحقق بیع از روی نمونه دلالت نمی‌کند و ممکن است به اغراض دیگر باشد. پس باید توافق صریح یا ضمنی دو طرف مبنی بر اینکه بیع از روی نمونه انجام شده موجود باشد و قرارداد به‌منظور مطابقت مورد معامله با نمونه بسته شده باشد.

طبق قسمت ۳۱۳-۲ قانون متحدالشکل بازرگانی ایالات متحده آمریکا^۲ نیز هر نمونه یا مدل که بخشی از اساس معامله شده باشد، یک تضمین صریح ایجاد می‌کند که تمام کالا باید مطابق با نمونه یا مدل باشد. پس ارائه نمونه به‌تنهایی بیع را از روی نمونه نمی‌گرداند، بلکه طرفین باید مبتنی بر آن معامله کرده باشند تا بیع از روی نمونه توصیف شود. البته چنین در نظر گرفته می‌شود که ارائه هر نمونه یا مدلی، بخشی از اساس معامله را تشکیل می‌دهد (Scott & Kraus, 2013: 271).

حال باید دید برای آنکه بیع از روی نمونه شمرده شود آیا در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران، صرف ارائه نمونه یا مدل کافی است یا توافق طرفین جهت مطابقت کالا با نمونه نیز ضرورت دارد؟ دو دیدگاه محتمل است: علاوه بر ارائه نمونه یا مدل، توافق طرفین

1. Sale of Goods Act 1979
2. Uniform Commercial Code (UCC)

لازم است یا گفته شود ارائه نمونه به تنهایی کافی است. اگر فروشنده مدل یا نمونه را ارائه کرده و مطابقت کالا با آن در قرارداد پیش‌بینی شده باشد تردیدی نیست، زیرا یک شرط قراردادی، کالا را بر اساس نمونه یا مدل پیش‌بینی می‌کند. مشکل زمانی است که خریدار، نمونه یا مدلی را دریافت می‌کند، اما کالا را بدون تصریح به آن سفارش می‌دهد. در این صورت احتمال دارد گفته شود طرفین به‌طور ضمنی بر مطابقت مبیع با نمونه توافق کردند یا اینکه ارائه نمونه از سوی خریدار نوعی تبلیغ برای فروش کالا است.

طبق برخی آرا که مستند به کنوانسیون بیع بین‌المللی صادر شده است، در صورت عدم توافق طرفین، انطباق با نمونه یا مدل ضرورت ندارد، چنانکه دادگاه منطقه‌ای برلین مقرر کرده اثر الزام‌آور نمونه تنها در جایی است که طرفین چنین توافقی کرده باشند (Villy de Luca, 2015: 218). در این پرونده فروشنده ایتالیایی با خریدار آلمانی قراردادی برای تهیه کفش‌هایی که باید توسط فروشنده تولید شود، بسته بود. خریدار کالا را طبق مدل ارائه‌شده توسط فروشنده سفارش داد، ولی تمام بها را به دلیل عدم مطابقت بخشی از کالای فروخته‌شده پرداخت نکرد. فروشنده اقدام به طرح دعوی به خواسته پرداخت بها و خسارت تأخیر تأدیه کرد. دادگاه نخستین به سود خریدار تصمیم گرفت و دادگاه تجدیدنظر نیز با این استدلال که انطباق با یک مدل تنها زمانی امکان‌پذیر است که در قرارداد توافق صریح در خصوص آن وجود داشته باشد و نظر به اینکه در دعوی مطروحه چنین نیست، تصمیم دادگاه بدوی را تأیید کرد.^۱ اما مخالفان معتقدند بر اساس کنوانسیون یادشده، فروشنده تضمین می‌کند که کالای فروخته‌شده دارای کیفیت کالایی باشد که به‌عنوان نمونه ارائه شده و نگه‌داشتن خود نمونه برای این منظور کافی است و توافق جداگانه بر آن ضرورت ندارد. به عبارت دیگر آنچه به عنوان نمونه یا مدل ارائه می‌شود، به‌طور خودکار، نقش استاندارد برای ماهیت کالای مورد معامله را پیدا می‌کند (schlechtriem & schwenzer, 2016: 886).

در پرونده‌ای دیگر به عکس دیدگاه یادشده، رأی صادر شد: شرکت حمل‌ونقلی با یک شرکت تولیدکننده کمپرسور قراردادی بست. به موجب قرارداد، شرکت فروشنده با عرضه ۱۰۸۰۰ کمپرسور که خریدار قصد داشت از آنها به‌عنوان بخشی از تهویه مطبوع قابل حمل استفاده کند، موافقت کرد. پیش از اجرای قرارداد، فروشنده نمونه کمپرسور را در اختیار خریدار قرار داد. هنگامی که دو محموله از سه محموله تحویل داده شد، خریدار فهمید که کمپرسورها با نمونه مطابقت ندارند، زیرا ظرفیت خنک‌کنندگی کمتری دارند و انرژی بیشتری نسبت به نمونه مصرف می‌کنند. پس از چندین بار تلاش ناموفق برای رفع عیب، خریدار تصمیم گرفت از قرارداد اجتناب کند و ادعای استرداد بها و جبران خسارت را مطرح کرد.

1. www.unilex.info/cisg/case/218

دادگاه استیناف، تصمیم دادگاه بدوی را تأیید کرد و فروشنده را مسئول شمرد، زیرا کمپرسورهای تحویلی با نمونه مطابقت نداشتند. دادگاه اعلام کرد که توافق میان دو طرف بر اساس یک کمپرسور نمونه ارائه شده توسط فروشنده تشکیل شده و حتی اگر هیچ تصریحی به نمونه در قرارداد نشده باشد، نگه داشتن نمونه برای شمول قسمت «ج» بند ۲ ماده ۳۵ کنوانسیون کافی است (Villy de Luca, 2015: 218).

به نظر می‌رسد دیدگاه دوم نه تنها به دلیل همخوانی بیشتر با پیشینه قانونگذاری، بلکه به دلیل سازگاری بیشتر با ماهیت دعوا از حمایت گسترده تری نسبت به دیدگاه نخستین برخوردار است.

ماده ۳۵ (۲) «ج» کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ریشه در ماده ۳۳ «ج» قانون یکنواخت سازی بیع بین‌المللی کالا^۱ دارد. با تطبیق این دو ماده می‌توان دریافت که تهیه کنندگان آنها رویکردهای متفاوتی داشتند. در قانون یکنواخت سازی بیع بین‌المللی کالا، تعهد به تحویل کالا مطابق با مدل یا نمونه، به دنبال تعهد صریح یا ضمنی فروشنده است. بنابراین اگر فروشنده تنها نمونه یا مدلی را بدون ایجاد درک مشترک مبنی بر اینکه آنها نماینده محصول نهایی هستند تحویل دهد، الزام قانونی ایجاد نمی‌شود. اما نویسندگان پیش‌نویس کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا این رویکرد را نداشتند و تصمیم گرفتند هرگونه تعهد صریح یا ضمنی را در این زمینه کنار بگذارند (Villy de Luca, 2015: 218).

در ماده ۳۵۴ قانون مدنی ما لزوم مطابقت کالا با نمونه آمده است. با دقت در این ماده و مستفاد از مواد ۳۳۸ و ۳۳۹ آن قانون، لازمه بستن بیع، توافق طرفین در مبیع و ثمن معلوم است. با این بیان در بیع از روی نمونه باید دیدگاه دوم را پذیرفت که صرف ارائه نمونه به معنای توافق طرفین در تعیین مبیع است و نیازی به آوردن شرط اضافه مبنی بر مطابقت مبیع با نمونه نبوده و اگر هم در قرارداد بیاید تأکیدی بیش نیست، اما چنانچه فروشنده مدعی باشد که هدف از تسلیم نمونه، چیز دیگری است، مانند آنکه قصد تبلیغ کالای خویش را داشته و مطابقت کالای نهایی تسلیم شده با نمونه وارد اراده طرفین نشده، باید از عهده اثبات آن برآید. به عبارت دیگر وقتی مبیع از روی نمونه برای خریدار معلوم شود، فروشنده ملتزم است مورد معامله را مطابق با نمونه تسلیم خریدار کند تا وفای به عهد، صحیح شمرده شود. تسلیم نمونه یا مدل به خودی خود متضمن تعهد و قول فروشنده، نسبت به تدارک کالای نمونه و مدلی که به خریدار ارائه کرده است (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۱۲؛ ایرانمنش پاریزی، ۱۳۹۲: ۵۰).

۲. مقایسه فروش از روی نمونه و مدل

ارائه نمونه برای معرفی کالای مورد معامله است. وقتی کالا در دسترس نیست و فروشنده می‌خواهد توضیح کاملی درباره آن بدهد، می‌تواند نمونه آن را به خریدار عرضه کند، اما مدل ممکن است همه یا تنها برخی از ویژگی‌های کالا را نشان دهد. در موردی که فروشنده به خریدار نمونه می‌دهد، در واقع تضمین می‌کند کالای مورد معامله تمام کیفیت آن را دارد، ولی در مورد مدل، قرارداد نیاز به تفسیر دارد تا مشخص شود که کدام ویژگی کالا به وسیله آن نشان داده شده و تابع توافق طرفین است (Schlechtriem & Schwenger, 2016: 886). بنابراین اگر غرض از ارائه مدل و یا حتی نمونه مشخص کردن برخی ویژگی‌های کالا باشد، فروشنده ملزم نیست کالایی تسلیم کند که به‌طور کامل مطابق با نمونه یا مدلی باشد که به این منظور ارائه شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴: ۱۰۱؛ ایرانمنش پاریزی، ۱۳۹۲: ۵۰).

در ماده ۳۵ کنوانسیون^۱ میان دو واژه نمونه و مدل از حرف یا استفاده شده و دو گونه می‌توان از آن برداشت کرد: استفاده از حرف یا نشان دوگانگی نمونه و مدل دانست یا گفت از نظر تدوین‌کنندگان کنوانسیون، تفاوتی میان این دو واژه نیست. با دقت حقوقی می‌توان گفت نمونه بخشی از کالای موجود است که به خریدار عرضه می‌شود و برای آشنایی با کالایی که باید ساخته شود، از واژه مدل استفاده می‌شود (شعاریان و رحیمی، ۱۳۹۳: ۵۷). بر اساس دو رأی زیر به نظر می‌رسد این دیدگاه مقرون به صواب است، زیرا در هر دو قرارداد مورد رسیدگی باید کالای مورد معامله تولید شوند و مرجع رسیدگی نیز واژه مدل را در مورد آنها به‌کار گرفته است.

در پرونده نخست، فروشنده بلژیکی با خریدار هلندی برای چاپ خبرنامه تبلیغاتی قراردادی بست. به‌هنگام تسلیم خبرنامه‌ها، خریدار از تحویل گرفتن مورد معامله به دلیل عدم مطابقت آنها با مدلی که پیش از چاپ توسط فروشنده ارائه شده بود، خودداری کرد. فروشنده گفت چاپ برگه‌ها از کیفیت کافی برخوردار است و خودداری خریدار از تحویل گرفتن خبرنامه‌ها موجه نیست. سپس فروشنده برای راضی کردن خریدار، پیشنهاد کاهش قیمت داد که از سوی خریدار رد شد. از این‌رو فروشنده برای پرداخت بهای کامل علیه خریدار طرح دعوا کرد و خریدار علاوه بر پرداخت ثمن، ملزم به جبران خسارت شد.^۲ دادگاه با استناد به ماده ۳۵ کنوانسیون استدلال کرد که خریدار مدلی را در اختیار فروشنده قرار داده و گفته خبرنامه‌های تبلیغاتی مطابق با آن چاپ می‌شوند و با احراز مطابقت کالا، ادعای خریدار را رد کرد.

1. (c) possess the qualities of goods which the seller has held out to the buyer as a sample or model

2. www.unilex.info/cisg/case/199

در پرونده دیگر، فروشنده ایتالیایی با خریدار آلمانی قراردادی را برای تهیه کفشی که باید توسط فروشنده تولید شود، بست. خریدار کالا را طبق مدل ارائه شده توسط فروشنده سفارش داده بود. نظر به اینکه خریدار کل بها را به دلیل عدم مطابقت بخشی از کالای فروخته شده پرداخت نکرد، فروشنده برای اصل و دیرکرد آن طرح دعوا کرد. در رسیدگی نخستین به سود خریدار تصمیم گرفته شد و دادگاه تجدیدنظر نیز رأی نخستین را تأیید کرد.^۱

۳. نقش تسلیم نمونه در بیع

نقش نمونه تسلیم شده از سوی فروشنده به خریدار در روابط طرفین نیاز به بررسی دارد. این موضوع در قرارداد فروش از روی نمونه در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران جداگانه بررسی می‌شود.

۳.۱. نقش تسلیم نمونه در کنوانسیون

معرفی مورد معامله می‌تواند با ارائه نمونه انجام شود. در این صورت به جای استفاده از واژگان برای توصیف کالا^۲ و کیفیات آن از نمونه یا مدل استفاده می‌شود (Huber & Mullis, 2007: 165). فروشنده‌ای که بخشی از کالا را به عنوان نمونه، تسلیم خریدار می‌کند، در واقع علاوه بر معرفی کالای خود، اوصاف آن را به صورت شرط ضمن عقد درمی‌آورد (صفایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۸).

بر اساس ماده ۳۵ کنوانسیون وین، فروشنده ملزم است کالا را مطابق نمونه یا مدل ارائه شده تسلیم کند. این ماده مربوط به شرایطی است که در آن خریدار به جای توصیف ویژگی‌های فیزیکی کالا، نمونه یا مدلی از محصول را دریافت، بازرسی و بر اساس آن سفارش می‌دهد. این تعهد به طور خودکار با بستن قرارداد ایجاد نمی‌شود، بلکه تنها در صورتی عملی می‌شود که فروشنده نمونه یا مدلی از کالای مورد توافق را در اختیار خریدار گذاشته باشد (Villy de Luca, 2015: 56). بنابراین دادن نمونه در کنوانسیون وین، نقش توصیف کالا را دارد.

ماده ۱۴ کنوانسیون، ذیل بیان شرایط ایجاب، تصریح به نوع کالا، مقدار و بهای آن را ضروری دانسته، ولی به کیفیت یا وصف اشاره نکرده است. پس عدم تعیین کیفیت نباید خللی به صحت عقد وارد کند، هر چند متبایعین می‌توانند طبق ماده ۶۵ خصوصیات کالا را تعیین کنند. از این رو در تحقق بیع از روی نمونه آنچه ضروری است، ذکر کالا، مقدار و قیمت آن با شرایط مندرج در کنوانسیون است و ارائه نمونه، نقش توصیف کالا را دارد. تسلیم نمونه به

1. www.unilex.info/cisg/case/218
2. Description of Goods

خریدار حاکی از شرط ضمنی مطابقت است که به موجب آن فروشنده متعهد می‌شود کالایی مطابق با آن، تسلیم خریدار کند.

۲.۳. نقش تسلیم نمونه در حقوق ایران

هرچند در میان فقها در خصوص صحت بیع از روی نمونه با این تفصیل که آیا نمونه جزئی از مبیع است یا خیر و آیا ارائه نمونه می‌تواند جایگزین توصیف مورد معامله شود یا خیر اختلاف شده است، با این توضیح که اگر نمونه جزئی از کالای موجود باشد، عقد را صحیح می‌دانند و در غیر این صورت به دلیل عدم تعیین کالا و عدم توصیف آن عقد را باطل می‌شمارند؛ چراکه ارائه نمونه را جایگزین توصیف کالا نمی‌دانند، هرچند بر خلاف دیدگاه پیشین، بیشتر فقها دیدن نمونه را رساتر از توصیف در آگاهی نسبت به مبیع شمرند (حسینی العاملی، ۱۴۱۸ق: ۵۰۱). قانون مدنی از نظر مشهور پیروی می‌کند و عقد از روی نمونه را صحیح می‌داند.

بیع از روی نمونه در ماده ۳۵۴ قانون مدنی آمده است. در این ماده تنها به مطابقت کالا با نمونه اشاره شده است. کالایی که مورد معامله قرار می‌گیرد، از حیث جنس، وصف و مقدار باید معلوم و معین باشد. انتخاب نمونه، طرفین را از ذکر ویژگی‌های مبیع بی‌نیاز می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۲۹۸). بنابراین رؤیت نمونه برای رفع ابهام از مورد معامله کافی است. طبق ماده ۳۵۴ قانون مدنی «ممکن است بیع از روی نمونه به عمل آید، در این صورت باید تمام مبیع مطابق نمونه تسلیم شود و الا مشتری خیار فسخ خواهد داشت». تعیین نوع مبیع در مقرر مزبور مشخص نگردیده، ولی به نظر می‌رسد این ماده در مورد عین شخصی است و چنانچه مبیع بر خلاف اوصاف درآید، مشتری می‌تواند بیع را با خیار تخلف وصف، فسخ کند. اگر مبیع کلی باشد، تخلف از اوصاف موجب خیار فسخ نمی‌شود، بلکه بایع ملزم است کالایی که دارای اوصاف نمونه است تسلیم مشتری کند (امامی، ۱۳۸۷: ۴۲۷). به نظر می‌رسد نمونه ارائه شده بیشتر نقش توصیف مبیع و البته تعیین جنس آن را دارد و در تحقق عقد بیع از روی نمونه، همسو با کنوانسیون و بر خلاف قانون بیع کالای انگلیس نیازی به قید عباراتی مبنی بر اینکه بیع از روی نمونه است ضرورت ندارد.

۴. شروط ضمنی در بیع از روی نمونه

در بیع از روی نمونه، لزومی به آوردن شرطی مبنی بر مطابقت مورد معامله با نمونه تسلیمی نیست، اما این گونه بیع متضمن چند شرط ضمنی است که به توضیح آنها می‌پردازیم:

۱.۴. شرط بررسی و آزمایش کالا

در حقوق ایران به‌صراحت از این شرط سخنی به میان نیامده است، ولی از مفهوم مواد قانونی می‌توان به وجود چنین شرطی پی برد. در هر بیعی که از روی نمونه انجام می‌شود، این شرط ضمنی وجود دارد که تسلیم زمانی پذیرفته است که خریدار امکان و فرصت متعارف برای مطابقت دادن کالای تسلیم‌شده را با نمونه داشته باشد و اگر هنوز ثمن را به فروشنده نپرداخته باشد، تا آن هنگام می‌تواند پرداخت ثمن را به تأخیر بیندازد، مگر اینکه در قرارداد، خلاف آن تصریح شود (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۸۸). پس حق بازرسی کالا جهت تطبیق با نمونه تسلیم‌شده در بیع از روی نمونه ایجاد می‌شود. با توجه به ضمانت اجرای مقرر در ماده ۳۵۴ قانون مدنی یعنی ایجاد حق فسخ، می‌توان گفت تشخیص عدم مطابقت، فرع بر حق خریدار به‌منظور بازرسی کالا است. در ماده ۱۵ قانون بیع کالای انگلیس نیز این شرط به‌عنوان یک شرط ضمنی آمده است. همچنین ماده ۳۵ کنوانسیون، معیارهای مطابقت را بیان کرده و در مواد ۳۸ و ۳۹ به حق بازرسی کالا برای خریدار تصریح شده است. نظر به جایگاه این مواد در کنوانسیون به‌نظر می‌رسد شامل بیع از روی نمونه هم باشد. در واقع بازرسی کالا به سود خریدار ایجاد شده و عدم انجام آن سبب می‌شود خریدار نتواند از ضمانت اجرای عدم مطابقت استفاده کند (صفایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۶). به‌طور نمونه در پرونده‌ای خریدار آلمانی، مقدار مشخصی پارچه را به فروشنده ایتالیایی سفارش داده بود و پیش از سفارش، خریدار نمونه پارچه را از فروشنده دریافت کرده بود. طبق قرارداد، فروشنده پارچه را در سه قسط به کارخانه تولیدی خریدار در رومانی تحویل داد. خریدار پس از دو ماه تلفنی ایرادهای پارچه را به فروشنده اطلاع داد و از پرداخت ثمن خودداری کرد. خریدار مدعی بود که پارچه با نمونه پارچه نساجی که پیش از بستن قرارداد از فروشنده دریافت کرده مطابقت ندارد. فروشنده برای مطالبه بهای پرداخت‌نشده اقامه دعوا کرد. دادگاه اعلام کرد که قرارداد فی‌مابین مشمول مقررات کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا است. به نظر دادگاه با استناد به کنوانسیون مزبور، خریدار حق خود را برای اعلام عدم انطباق کالا از دست داده؛ زیرا کالا را در شرایط موجود، به‌طوری‌که در ماده ۳۸ آمده، بررسی نکرده است. دادگاه اعلام کرد که در فروش از روی نمونه، حتی اگر نمونه هیچ‌گونه نقصی نداشته باشد، خریدار از تعهد خود برای بررسی کالا معاف نیست. با توجه به اینکه محل تحویل کالا متفاوت از محل تجارت خریدار بود، کالا باید در محل تحویل بررسی می‌شد. علاوه بر این، کالایی که قرار است به محصول نهایی تبدیل شود، باید به‌صورت آزمایشی و بر اساس نمونه بررسی شود. دادگاه گفت در فروش پارچه، وظیفه معاینه مستلزم بررسی رشته، رنگ و سطح آن است و خریدار می‌بایست در مدت معقولی که در ماده ۳۹

کنونسیون مقرر شده، عدم انطباق را اعلام می‌کرد. نظر به اینکه مهلت معقول نباید بیش از یک ماه پس از کشف عیوب کالا توسط خریدار باشد، دادگاه خطاریه را به‌هنگام ندانست.^۱

قانون مدنی ما در این خصوص ساکت است. شاید در این مورد بتوان از ملاک ماده ۳۹۱ قانون تجارت در زمینه قرارداد حمل و نقل استفاده کرد. با این توضیح که مهلت بررسی کالا مطابق اوضاع و احوالی است که برای این کار معمول است و در صورت مشاهده مغایرت با نمونه باید بی‌درنگ به فروشنده اطلاع داده شود. مطابق با اصول کلی حقوق قراردادها اگر کالا به‌صورت کلی فی‌الذمه معامله شده باشد، فروشنده متعهد به تسلیم کالا برابر با نمونه است و اگر عین معین باشد، برای خریدار خیار تخلف از شرط ثابت است. علت اینکه خیار ثابت برای خریدار در فرض اخیر تخلف از وصف نیست، آن است که ارائه نمونه متضمن شرط ارائه کالا مطابق با آن است، جز آنکه ارائه نمونه را تنها جایگزین توصیف تلقی کنیم که خیار تخلف وصف ثابت شود. هرچند برخی از استادان حقوق مدنی معتقدند آنچه خیار تخلف از وصف نامیده می‌شود، در واقع چهره‌ای از خیار تخلف شرط است (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۱۸۸).

۲.۴. مطابقت کالا با نمونه

دومین شرط از شروط ضمنی بیع از روی نمونه، مطابقت کالا با آن است، بر این اساس که در کنونسیون وین ویژگی و کیفیت کالایی که به‌عنوان نمونه تسلیم می‌شود، به‌عنوان یک التزام ضمنی، بخشی از چارچوب قرارداد را طبق ماده ۳۵ تشکیل می‌دهد (Kristensen, 2021: 62) و فروشنده ملزم می‌شود کالایی را مطابق با اوصاف نمونه تسلیم کند. در حقوق ایران مواد ۲۱۶ و ۳۴۲ و بند ۳ ماده ۱۹۰ قانون مدنی معلوم بودن مبیع از حیث جنس و وصف و مقدار را لازم دانسته و ارائه نمونه، رفع ابهام می‌کند. همین مسئله به‌طور ضمنی ایجاب می‌کند، مطابق با ماده ۳۵۴ قانون مدنی فروشنده ملتزم باشد کالایی دارای ویژگی‌های نمونه تسلیم خریدار کند.

۱.۲.۴. میزان مطابقت کالا با نمونه

در خصوص بیع از روی نمونه، این شرط ضمنی وجود دارد که کالای کلی از لحاظ کیفیت با نمونه مطابق است و همچنین کالا از هر آنچه موجب رضایت‌بخش نبودن کیفیت آن می‌شود، به دور است. اگر بیع از روی نمونه و توصیف معلوم شده باشد، کافی نیست که کالای کلی تنها با نمونه مطابق باشد و با وصف مطابقت نداشته نباشد (نخعی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵۲). پس هنگامی که فروشنده کالایی را به‌عنوان نمونه یا مدل در اختیار خریدار می‌دهد، تفاهمی ایجاد می‌شود که کالای تسلیمی در آینده با نمونه مطابقت خواهد داشت. بند ۲ «ج» ماده ۳۵، حتی

1. www.unilex.info/cisg/case/445

واضح‌تر از بند ۲ «ب»، تفاهمات قراردادی را بیان می‌کند که به موجب بند ۱ به اجرا درآمده است. این رویکرد در بخش ۲-۳۱۳(۱)(C) قانون تجارت یکنواخت ایالات متحده آمریکا نیز دیده می‌شود که مقرر کرده است: هر نمونه یا مدلی که قسمتی از اساس معامله باشد، ضمانت صریحی را ایجاد می‌کند که تمام کالا باید مطابق با نمونه یا مدل باشد (Honnold, 1999: 122). اینکه چه میزان از مطابقت کالا با نمونه شرط است در ماده ۳۵۴ قانون ایران و ماده ۳۵ کنوانسیون نیامده و تنها در ماده ۳۵ کنوانسیون، تکلیف فروشنده به تسلیم کالایی منطبق با قرارداد به عنوان یک اصل ضروری دیده می‌شود (Henschel, 2004: 3).

نظر به اینکه نمونه، بخشی از کالا است، مطابقت کامل با آن شرط است و بدون آن، نقض تعهد فروشنده شمرده خواهد شد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴: ۹۴). هنگامی که نمونه‌ای از کالاهای موضوع قرارداد ارائه می‌شود، باید نمونه و محصول نهایی دارای ماهیت یکسان باشند. به عبارت دیگر وقتی فروشنده نمونه‌ای ارائه کرده، این درک را ایجاد می‌کند که کالای نهایی، دارای ویژگی‌های آن نمونه خواهد بود (Villy de Luca, 2015: 222).

در هر حال فروشنده متعهد است که کالایی مطابق با نمونه تسلیم خریدار کند، حتی اگر در تعارض با هدف خریدار باشد. در صورت تعارض بند «ب» قسمت دوم ماده ۳۵ که مقرر می‌دارد کالا وقتی منطبق با قرارداد ارزیابی می‌شود که متناسب با هر نوع مقصود خاصی باشد که به نحو صریح یا ضمنی در زمان انعقاد قرارداد به آگاهی بایع رسیده است با بند «ج» که مقرر کرده اگر کالا واجد اوصاف نمونه نباشد، منطبق با قرارداد نیست، بند «ج» اولویت دارد. مفهوم کیفیت کالا باید با توجه به نحوه استفاده‌ای که به‌طور معمول از آن گونه کالا به‌عمل می‌آید و عندالاقضا با توجه به استفاده‌های خاصی که ممکن است در هنگام بستن قرارداد به اطلاع فروشنده رسیده باشد، ارزیابی شود (پی‌یر پلاتنار، ۱۳۷۰: ۳۳۵). کالا هنگامی برای استفاده معمولی نامناسب است که فاقد ویژگی‌های مناسب باشد یا وجود عیب در آن مانع استفاده اصلی و مهم آن شود یا ثمره و عملکرد نامطلوبی را به‌بار آورد و یا هزینه غیرمعارفی را در برداشته باشد. کالا همچنین نامتناسب برای استفاده معمولی محسوب می‌شود که فقدان ویژگی‌ها و یا عیوب، اگرچه اثری برای استفاده مهم کالا نداشته باشد، اما به‌طور شایان ملاحظه‌ای از ارزش آن بکاهد، به‌نحوی که به استفاده تجاری آن لطمه بزند (ایرانمنش پاریزی، ۱۳۹۲: ۴۹). برای مثال اگر خریدار قصد خرید قلاب ماهیگیری که ظرفیت صید ماهی بالای ۱۵۰ کیلوگرم را دارد داشته باشد، ولی نمونه قلابی سفارش بدهد که برای صید ماهی بیش از ۱۵۰ کیلو مناسب نباشد، واضح است که فروشنده اگر مدل یا نمونه را رعایت کند، محصول نهایی برای هدف خاص خریدار مناسب نیست. برخی شارحان کنوانسیون وین معتقدند در صورت تعارض میان هدف خاص و نمونه، تطابق با نمونه کافی است، هرچند متناسب با هدف مشتری

نباشد (شعاریان و رحیمی، ۱۳۹۳: ۵۷). از آنجایی که روح و هدف فروش بر اساس نمونه یا مدل آن است که به خریدار امکان بررسی کالا یا استفاده از آنها را در یک دوره آزمایشی بدهد، فرض می‌شود که کیفیت‌های ارائه‌شده در ماده ۳۵ بند ۲ قسمت سوم اولویت دارد، زیرا از این حیث خریدار به مهارت و قضاوت فروشنده اتکا نمی‌کند (Villy de Luca, 2015: 226).

۲.۲.۴. تلف نمونه پیش از تسلیم کالا

در عرف تجارتهی مرسوم است که خریدار نمونه را نزد خود نگه‌می‌دارد تا در صورت نیاز، امکان مقایسه کالای تسلیم‌شده با آن وجود داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۵۰). اختلاف عمده زمانی است که آنچه معیار تطابق کالای تسلیم‌شده بوده، پیش از بررسی و آزمایش، بدون تقصیر طرفین تلف شود. از این رو موضوع بحث از قاعده اتلاف توسط خریدار یا فروشنده خارج است؛ زیرا در این صورت هر کدام که متلف بوده، به ضرر خویش اقدام کرده است. چنانچه متلف خریدار باشد، می‌توانیم با قیاس نسبت به موقعیتی که مبیع توسط خریدار تلف می‌شود و وی را مستولی بر مبیع می‌دانیم (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۹۶)، حسب این تقصیر خریدار، تسلیم را مطابق با نمونه قلمداد کنیم و اگر متلف فروشنده باشد، ادعای مطابقت کالا با نمونه از سوی وی رد می‌شود و باید کالا مطابق ادعای خریدار تسلیم شود.

۳.۲.۴. بار اثبات عدم انطباق کالا با نمونه

کنوانسیون درباره اینکه چه کسی بار اثبات عدم انطباق را بر عهده دارد، ساکت است. آیا بایع باید اثبات کند که کالا در زمان انتقال ضمان، منطبق با قرارداد بوده یا خریدار باید اثبات کند که کالا در زمان مزبور، غیرمنطبق با قرارداد بوده است. در این خصوص میان حقوقدانان اتفاق نظر وجود ندارد. به اعتقاد برخی فروشنده باید مطابقت کالا با قرارداد را در زمان انتقال ضمان اثبات کند؛ در حالی که برخی دیگر معتقدند در رویه تجاری بین‌المللی، طرفی که مدعی عدم انطباق کالا با قرارداد است، بار اثبات را بر عهده دارد (شعاریان و رحیمی، ۱۳۹۳: ۶۱). در بیع از روی نمونه به نظر می‌رسد چنانچه خریدار مدعی باشد که کالای تسلیمی، مطابق با نمونه نیست و فروشنده مدعی انطباق با آن باشد، باید میان نمونه موجود و تلف‌شده نیز تفصیل قائل شد. از این رو موضوع بار اثبات عدم انطباق کالا با نمونه در دو فرض قابل مطالعه است:

فروشنده با تسلیم کالا، حتی اگر مطابقت نداشته باشد، تعهد خود را به انجام رسانیده است (ایرانش پاریزی، ۱۳۹۲: ۴۸). اگر با وجود نمونه، طرفین در مطابقت کالا اختلاف داشته باشند، بار اثبات دلیل با مدعی عدم انطباق است (نخعی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵۱). نظر به اینکه عدم مطابقت باید پیش از انتقال ضمان معاوضی به خریدار وجود داشته باشد (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۰۸)، حکم

عدم انطباق کالا در لحظه انتقال ضمان و پس از انتقال آن متفاوت است (شعاریان و رحیمی، ۱۳۹۳: ۵۹). اگر کالا از سوی فروشنده تسلیم شده و خریدار آن را تحویل گرفته باشد، چون باید عدم انطباق در لحظه ضمان باشد، پس این خریدار است که ملزم به اثبات عدم انطباق در زمان انتقال ضمان است، ولی اگر خریدار از تحویل گرفتن کالا خودداری کرده یا عدم انطباق کالا را به فروشنده اطلاع داده باشد، فروشنده باید ثابت کند که کالا هنگام انتقال ضمان با نمونه مطابقت داشته است.

اگر فروشنده نمونه‌ای از کالای مورد توافق را به خریدار تسلیم کرده، ولی هنگام انجام تعهد، نمونه نزد خریدار تلف شده و او مدعی عدم تطابق باشد، چون معیار مطابقت دادن از بین رفته است، چگونه می‌توان آن را احراز کرد. در این صورت بار اثبات بر عهده خریدار است یا فروشنده؟ ماده ۳۵۴ قانون مدنی ایران و قسمت دوم بند «ج» ماده ۳۵ کنوانسیون فرضی را پیش‌بینی کرده که نمونه موجود است و هیچ‌کدام به این فرض که نمونه پیش از تسلیم مبیع تلف شده نپرداخته‌اند. به نظر می‌رسد این موضوع در دو فرض قابل بررسی است؛ نخست آنکه علاوه بر ارائه نمونه، طرفین ویژگی‌های مورد معامله را در قرارداد ذکر کرده‌اند. دیگر آنکه تنها نمونه مورد معامله ارائه شده و هیچ اشاره‌ای به ویژگی‌های کالا در قرارداد نشده است.

در صورتی که علاوه بر ارائه نمونه، ویژگی‌های مورد معامله نیز در قرارداد آمده باشد، برای تشخیص مطابقت می‌بایست به متن قرارداد توجه شود (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۱۹). فروشنده ناگزیر باید کالایی مطابق با اوصاف نمونه تحویل دهد تا بری‌الذمه گردد. نمونه، مصداقی از کالایی است که در متن قرارداد توسط طرفین توصیف شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۱۸). پس در این حالت نمونه نقش تکمیلی در تعیین اوصاف کالا را داراست. فروشنده طبق ماده ۲۷۹ قانون مدنی می‌تواند با تسلیم کالای با کیفیت متناسب با متن قرارداد به تعهد خویش مبنی بر تسلیم عمل کند.

در ماده ۳۵ کنوانسیون چند معیار برای مطابقت ذکر شده است؛ در بند اول مقرر شده فروشنده باید کالایی را تسلیم کند که دارای مقدار، کیفیت و وصف مقرر در قرارداد باشد. به‌منظور ارزیابی معیار مطابقت در مرحله اول باید به مفاد قرارداد توجه شود و اولویت با قیود، کیفیت و کمیتی است که در قرارداد آمده است. در صورت نقض آن، می‌توان گفت نقض قرارداد صورت گرفته است (صفایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۲). به‌نظر می‌رسد در این فرض که اوصاف مبیع در قرارداد ذکر شده و در کنار آن نمونه‌ای از کالا نیز جهت اطمینان بیشتر از سوی فروشنده تسلیم خریدار می‌شود، مطابقت کالا با متن و اوصاف قرارداد کفایت می‌کند، حتی اگر نمونه تلف شده باشد. اگر خریدار ادعایی در این زمینه داشته باشد و اخطاریه عدم

مطابقت داده باشد، بار اثبات به عهده فروشنده است، ولی اگر بدون اخطار، طبق اوصاف قراردادی کالا را تحویل گرفت، دیگر ادعای عدم مطابقت از وی پذیرفته نیست. برای نمونه در پرونده‌ای خریدار آلمانی مطابق با نمونه ارائه شده، نرم‌افزار رایانه‌ای را به فروشنده فرانسوی به‌طور کتبی سفارش داد. دو ماه بعد نرم‌افزار در محل خریدار نصب شد و فروشنده برای آن فاکتور صادر کرد. سه ماه بعد، خریدار از بستن قرارداد خودداری کرد و برنامه را به فروشنده بازگرداند. از آنجایی که خریدار در پرداخت فاکتور کوتاهی کرده بود، فروشنده دعوی خود را مبنی بر مطالبه مبلغ فاکتور مطرح کرد. خریدار در مقام دفاع، قرارداد فروش را تکذیب کرد و مدعی شد که در هر صورت نرم‌افزار تحویلی دارای نقص‌هایی است که اجتناب از پرداخت را توجیه می‌کند. دادگاه کنوانسیون وین را قابل اجرا دانست و اعلام کرد رابطه طرفین قراردادی است، زیرا هر دو طرف، سند خرید را امضا کردند و در خصوص حداقل الزامات قرارداد یعنی شناسایی کالا و تعیین قیمت طبق مواد ۱۴، ۱۸ و ۲۳ کنوانسیون به توافق رسیدند. خریدار نمی‌توانست از قرارداد به دلیل عدم مطابقت کالا اجتناب کند، زیرا نرم‌افزار با نمونه دریافت شده توسط او مطابقت داشت و مشمول قسمت سوم بند ۲ ماده ۳۵ کنوانسیون وین بود. علاوه بر این، خریدار در هر صورت حق خود را برای استناد به عدم انطباق از دست داده بود؛ زیرا در بازه زمانی معقول به فروشنده اطلاعی از عدم انطباق نداده بود. نظر به اینکه خریدار به تکلیف خویش در خصوص ارسال اخطاریه عدم مطابقت کوتاهی کرده بود، دادگاه بار اثبات مطابقت را بر عهده فروشنده ندانست.^۱

اگر اوصاف مبیع در قرارداد نیامده باشد و طرفین نسبت به تعیین و ارائه نمونه کالا موافقت کرده باشند و نمونه تلف شده باشد، فروشنده مدعی است یا خریدار باید عدم انطباق را ثابت کند؟ با عنایت به ماده ۲۷۹ قانون مدنی همین‌که فروشنده با توجه به اصل آزادی در تعیین مصداق دین، موردی را تسلیم خریدار کند که معیوب نباشد کافی است و بار اثبات عدم انطباق بر عهده خریدار است (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۹۹). ماده ۲۲۲ قانون تعهدات سوئیس نیز در این خصوص اشعار می‌دارد: اگر نمونه در زمانی که در تصرف خریدار است از بین رود یا خراب شود، حتی اگر او مرتکب تقصیر نشده باشد، وظیفه فروشنده نیست که ثابت کند کالا با نمونه مطابقت دارد، بلکه بار اثبات بر عهده خریدار است (واحدی، ۱۳۷۸: ۷۴). به‌طور کلی در حقوق بین‌الملل هم پذیرفته شده است که بار اثبات بر عهده طرفی است که ادعا می‌کند و بیشتر دادگاه‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که کنوانسیون وین حاوی یک اصل کلی است مبنی بر اینکه

طرفی که یک واقعیت را تأیید یا ادعا می‌کند، بار اثبات آن را به دوش می‌کشد و در نتیجه این بار بر عهده خریدار است که ثابت کند کالا با قرارداد مطابقت ندارد (Linne, 2008: 34).

مطابق با مقررات کنوانسیون، بار اصلی اثبات عدم مطابقت با خریدار است، منتها اگر به مفاد ماده ۳۹ توجه شود، در صورتی که کالا مطابق با قرارداد نباشد، خریدار باید اختاریه عدم انطباق را برای فروشنده ارسال کند. در این صورت می‌توان گفت فروشنده مسئول اثبات مطابقت کالا است، ولی اگر بدون هرگونه اختاریه‌ای خریدار آن را مطرح کند، پذیرفته نیست. البته اینکه با ارسال اختاریه عدم انطباق در فرضی که نمونه نزد خریدار تلف شده، فروشنده مسئول اثبات شمرده شود صحیح نیست، زیرا امکان بررسی نمونه برای فروشنده ممکن نیست و تلف نمونه متناسب به وی نیست. پس به نظر می‌رسد طبق اصل کلی، بار اثبات بر عهده خریدار باشد. دادگاهی در آلمان در خصوص گندم مجارستان حکم داد که وقتی نمونه آزمایش شده توسط شخص ثالث از میان رفته است، خریدار نمی‌تواند الزامات بار اثبات را برآورده کند و چنانچه نتواند عدم مطابقت را ثابت کند، کالا مطابق با نمونه فرض می‌شود. در این پرونده بار اثبات عدم انطباق بر عهده خریدار گذاشته شد (Linne, 2008: 41).

در پرونده‌ای دیگر، فروشنده ایتالیایی و خریدار آلمانی قراردادی را برای فروش پوشاک منعقد کردند. در سفارش کالا، خریدار توجه فروشنده را به تفاوت‌های ایتالیا و آلمان در مورد اندازه‌های کوچک، متوسط و بزرگ جلب کرد. پس از تحویل کالا، خریدار ادعا کرد که اندازه‌های درج شده روی کالا با اندازه‌های سفارش داده شده مطابقت ندارد. خریدار در نهایت فقط بخشی از ثمن را پرداخت که مربوط به کالاهایی با اندازه متوسط بود. فروشنده با ادعای پرداخت باقیمانده ثمن اقدام به طرح دعوا کرد. دادگاه اعلام کرد که این قرارداد مشمول مقررات کنوانسیون است، زیرا اعمال قواعد آلمانی حقوق بین‌الملل خصوصی به حکومت قانون ایتالیا به‌عنوان یک کشور متعاقد منجر شده و با قسمت دوم بند ۱ ماده ۱ انطباق دارد. دادگاه در خصوص عدم انطباق کالا به این نکته توجه کرد که آیا خریدار در مدت زمان معقولی پس از کشف عیوب به فروشنده، مطابق بند ۱ ماده ۳۹، اطلاع‌رسانی کرده یا خیر؟ دادگاه نتیجه گرفت خریدار باید ثمن را بپردازد، زیرا نمی‌توانست وجود یک توافق شفاهی را ثابت کند که طبق آن، فروشنده کالای غیرمطابق را پس بگیرد. خریدار حق ادعای خودداری جزئی از قرارداد را نداشت، زیرا بر اساس مواد ۴۹ و ۲۵ کنوانسیون، تمام شرایط نقض اساسی قرارداد (طالب‌احمدی، ۱۳۹۳: ۱۱۱-۱۴۶) را ثابت نکرده بود. عدم انطباق کالا را نمی‌توان ثابت کرد، زیرا نمونه پیشتر از میان رفته بود. در این پرونده دادگاه نظر به اینکه کالا از میان رفته و خریدار نتوانسته است عدم مطابقت را اثبات کند، دعوای او را نپذیرفت.^۱ پس در موردی که

1. www.unilex.info/cisg/case/150

نمونه تسلیم شده به خریدار تلف شده باشد، باید بار اثبات عدم مطابقت را بر عهده خریدار گذاشت.

نتیجه

بیع از روی نمونه عبارت است از بیعی که در آن توافق دو طرف در تعیین ویژگی‌های مبیع با ارائه نمونه از سوی فروشنده به خریدار محقق می‌شود و ارائه نمونه مزبور حاوی این شرط ضمنی است که تمام مبیع از سوی فروشنده مطابق با نمونه تسلیم خریدار خواهد شد. مقررات بیع از روی نمونه در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا از حیث تأثیر تلف نمونه بر تعهدات دو طرف ساکت است.

اگر نمونه، به‌عنوان معیاری برای مطابقت دادن کالا، بدون تقصیر طرفین تلف شده باشد، چنانچه علاوه بر ارائه نمونه، ویژگی‌های مورد معامله در قرارداد ذکر شده باشد، برای تشخیص مطابقت باید به متن قرارداد توجه شود. در این صورت نمونه نقش تکمیلی در تعیین ویژگی‌های مورد معامله دارد و فروشنده طبق ماده ۲۷۹ قانون مدنی می‌تواند با تسلیم کالای با کیفیت قراردادی به تعهد خود عمل کند. چنانچه خریدار، مدعی وصفی دیگر در نمونه باشد باید آن را ثابت کند. مطابق با مقررات کنوانسیون بیع بین‌المللی نیز در ابتدا باید به مفاد قرارداد توجه شود. در این فرض که ویژگی‌های کالا در قرارداد آمده است، مطابقت کالا با متن و اوصاف قرارداد کفایت می‌کند. اگر خریدار مدعی اوصاف ویژه‌ای در نمونه تلف شده باشد، به شرط اینکه اخطاریه عدم مطابقت ارسال کند، بار اثبات بر عهده فروشنده است.

در حقوق ایران، با عنایت به ماده ۲۷۹ قانون مدنی، اگر ویژگی‌های کالا در قرارداد نیامده باشد، همین که فروشنده با توجه به اصل آزادی در تعیین مصداق دین، موردی را تسلیم خریدار کند که معیوب نباشد، کفایت می‌کند. اگر خریدار مدعی باشد آنچه تسلیم شده با نمونه‌ای که پیشتر از سوی فروشنده تحویل او شده و در دست خودش تلف شده است، همخوانی ندارد، باید از عهده اثبات آن برآید. این بار در کنوانسیون نیز متوجه خریدار است، زیرا امکان بررسی نمونه برای فروشنده ممکن نیست و تلف نمونه نیز متناسب به او نیست. به نظر می‌رسد حتی با فرض ارسال اخطاریه عدم انطباق، بار اثبات همچنان بر عهده خریدار باشد.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع

الف) فارسی و عربی

۱. ابراهیمی، خسرو؛ ارفع‌نیا، بهشید و علی آل‌بویه (۱۴۰۱). «مطالعه تطبیقی تطابق کالا در بیع در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی». *جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۵، ش ۱۱، ص ۲۰۶-۲۲۲*. DOI: 10.30510/PSI.2022.334397.3273
۲. امامی، سیدحسین (۱۳۷۹). *حقوق مدنی*. ج ۱، ج بیست‌ویکم، تهران: اسلامیه.
۳. ایرانمنش پاریزی، حمزه (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی تسلیم کالا در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ وین». *دانشنامه حقوق و سیاست، دوره ۹، ش ۱۹، ص ۴۳-۶۶*. در: https://journals.srbiau.ac.ir/article_7967_10a9f9cf4bf81939b6cda1585640143f.pdf (۱۵ خرداد ۱۴۰۲).
۴. پی‌یر پلاتنار، ژان (۱۳۷۰). «حقوق جدید متحدالشکل بیع بین‌المللی کنوانسیون سازمان ملل متحد مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۸۰». *ترجمه ایرج صدیقی، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۱، ش ۱۵۱۴، ص ۲۹۱-۴۴۰*. در: https://www.cilamag.ir/article_18340_7f164eeacb6973d9d4702c470e6dcc99.pdf (۲۰ خرداد ۱۴۰۲).
۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۴). *تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی*. ترجمه مهراب داراب‌پور، ج ۲، چا اول، تهران: گنج دانش.
۶. حسینی‌عاملی، محمدجواد (۱۴۱۸). *مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه*. ج ۸، بیروت: دارالتراث.
۷. شعاریان، ابراهیم و فرشاد رحیمی (۱۳۹۳). «انطباق مادی کالا با قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ و حقوق ایران». *مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۱، ش ۵۱، ص ۴۱-۶۶*. DOI: 10.22066/CILAMAG.2015.15769
۸. صفایی، سیدحسین؛ محمود کاظمی؛ مرتضی عادل و اکبر میرزائزاد (۱۳۹۷). *حقوق بیع بین‌المللی بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا*. ج هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. طالب احمدی، حبیب (۱۳۹۳). «نقض اساسی قرارداد در معاهده بیع بین‌المللی کالا». *مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۶، ش ۱، ص ۱۱۱-۱۴۶*. DOI: 10.22099/ILS.2014.2046
۱۰. عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*. ج ۳، چ اول، قم: کتابفروشی داوری.
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹). *قواعد عمومی قراردادها*. ج ۵، چ اول، تهران: بهنشر.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱). *حقوق مدنی: دوره عقود معین*. ج ۱، چ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). *حقوق مدنی: درس‌هایی از عقود معین*. ج ۱، چ هشتم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). *حقوق مدنی در نظم حقوقی کنونی*. ج بیست‌وچهارم، تهران: میزان.
۱۵. نخعی، رضا؛ تقی‌زاده و اشان، ابراهیم و محمدحسین جعفری، (۱۴۰۰). «مطالعه تطبیقی «معلوم بودن مبیع» در حقوق ایران با «انطباق کالا» در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا». *فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۴، ش ۵۳، ص ۳۴۳-۳۵۷*. DOI: 10.30495/ALR.2022.1945974.2227
۱۶. واحدی، جواد (۱۳۷۸). *قانون تعهدات سوئیس*. چ اول، تهران: میزان.

ب) خارجی

17. Emre Ay, Yunus (2022). "The conformity of goods under the CISG". *Antalya Bar Association*, No.4, pp. 94-106. DOI: 10.18384/2310-6794-2022-4-94-106
18. Henschel, René Franz (2004). "Conformity of Goods in International Sales Governed by Cisg Article 35: Caveatvendiditor, Caveat Emptor and Contract Law as background Law and as a Competing Set of Rules". *Nordic Journal of Commercial Law*, No.1. DOI: <https://doi.org/10.5278/ojs.njcl.v0i1.3064>

19. Honnold, John O (1999). *Uniform Law for International sales under the 1980 United Nations Convention*, The Hague: Kluwer Law International.
20. Huber, Peter & Mullis, Alastair (2007). *The CISG a New Textbook for Student and Practitioners*. Munich: Sellier European Law Publishers.
21. Kristensen, Katja Quist (2021). *The Conformity Assessment for International Sale of Goods Contracts*. Master's Thesis, Aalborg University. Available at: https://projekter.aau.dk/projekter/files/414761082/Master_s_Thesis__June_2021__KQK.pdf (Accessed April 10, 2023)
22. Linne, Anna L. (2008). "Burden of Proof under Article 35 CISG". *Pace International Law Review*, Vol. 20, Issue 1, pp. 31-44. DOI: <https://doi.org/10.58948/2331-3536.1048>
23. Martin, Elizabeth A. (2002). *Oxford Dictionary of Law*. Oxford: Oxford University Press.
24. Schlechtriem & Schwenzer (2016). *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods*. Oxford: Oxford University Press.
25. Scott, Robert E. & Kraus, Jody S. (2013). *Contract Law and Theory Selected Provision: Restatement of Contract Uniform Commercial Code and Ciscg*. New York: LexisNexis.
26. Villy, de Luca (2015). "The Conformity of the Goods to the Contract in International Sales". *Pace International Law Review*, Vol. 27, Issue 1. DOI: <https://doi.org/10.58948/2331-3536.1350>



Research Paper

Comparative Study of the Sample Goods Loss in Iranian Law and the Convention on Contracts for the International Sale of Goods

Habib Talebahmadi¹ *, Eshagh Mirfardi² 

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Shiraz, Shiraz, Iran. Email: talebahmadi@shirazu.ac.ir

2. PhD Student of Private Law, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Shiraz, Shiraz, Iran. Email: eshagh_mirfardi@yahoo.com

Abstract

In the context of international trade, merchants are primarily concerned with concluding a secure sale in the shortest possible time frame. This approach allows them to mitigate risks, reduce costs, and conserve time. Sale by sample is one of the recognized methods to achieve this objective. Particularly in international trade, merchants, before entering into a transaction, request a sample of the goods from sellers to ensure quality and, after testing and approving it, place their order. The need for speed, the long distances involved, the unavailability of all the goods at the time of sale and the difficulty of inspecting the goods in order to eliminate any ambiguities all point to the need for this type of sale in the field of international trade. Sale by sample is a type of sales contract in which the buyer becomes aware of all or part of the characteristics of the subject matter of the transaction based on the sample provided by the seller, and the delivered goods must conform to the mentioned sample. This method is used to describe the goods in order to eliminate ambiguity and specify the object of the sale. When the goods are not available, and the seller wishes to give a full explanation of them, they can present a sample to the buyer. A sample differs from a model. A model may represent all or only some of the characteristics of the goods being ordered for manufacture, while the sample pertains to existing goods.

* **How to Cite:** Talebahmadi, Habib; Eshagh Mirfardi (2024, Summer). "Comparative Study of the Sample Goods Loss in Iranian Law and the Convention on Contracts for the International Sale of Goods" *Private Law Studies Quarterly*, 54,2. 217-237.
DOI:10.22059/JLQ.2024.362226.1007785

Manuscript received: 14 August 2023; final revision received: 10 June 2024; accepted: 15 August 2024, published online: 31 August 2024



Jurists have differed in their opinions regarding the validity of sale by sample, particularly on whether the sample constitutes part of the sold goods and whether presenting the sample can replace a description of the goods. They agree that if the sample is part of the existing goods, the contract is valid; otherwise, they consider the contract void due to the lack of determination and description of the goods, as they do not see the presentation of a sample as a substitute for the description of the goods. However, contrary to this earlier view, most jurists consider viewing the sample as providing more clarity about the goods than a mere description. The Civil Code follows the majority opinion and recognizes the validity of the sale by sample. After the transaction is completed, the buyer expects the goods delivered to conform to the sample, and if the delivered goods differ from the sample, it is considered a breach of the seller's obligation, and in the absence of an agreement, the buyer can reject the goods. The International Sale of Goods Convention also recognizes this type of sale, with the seller's primary obligation being to deliver goods that conform to the agreed-upon sample. This research aims, through a comparative study of Iranian law and the International Sale of Goods Convention, with an emphasis on judicial practice, to explore how disputes between parties are resolved in cases where the characteristics of the goods are or are not specified in the contract, and to determine on whom the burden of proof for the non-conformity of the delivered goods with the sample falls in Iranian law and the mentioned convention. Previous research indicates that studies conducted in this area have only addressed the consequences of non-conformity of goods with the sample and have offered a general statement regarding the destruction of the sample by the buyer before the delivery of the goods, without delving into different scenarios or details. A review of the regulations on sale by sample in Iranian law and the International Sale of Goods Convention reveals no explicit guidance on the impact of sample destruction on the obligations of the parties involved. The findings of this research, using a descriptive-analytical method, indicate that if the sample is lost before the seller's obligation is fulfilled, there is a slight difference between Iranian law and the said Convention. In Iranian Civil Code, provided that the characteristics of the goods are mentioned in the contract, the delivery of the sample to the buyer is supplementary, and the seller is discharged of the obligation by delivering goods that match the contractual quality. If the characteristics of the goods are not mentioned in the contract, the seller has the discretion to choose the goods, and the burden of proving non-conformity with the lost sample rests with the buyer, as they are making an additional claim after delivery. However, according to the provisions of the Convention, if the characteristics of the goods are mentioned in the contract and a notice of non-conformity is sent by the buyer to the seller, the burden of proving that the delivered goods conform to the offered sample lies with the seller. In the absence of a specific mention of the characteristics of the goods in question in the contract, the burden of proof regarding any alleged non-conformity rests with the buyer.

Keywords: Conformity of the Goods, Delivery of the Goods, Sample Loss, Sale by Sample, Sample Goods.

Declaration of conflicting interests

The authors declares no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.